

## مروری بر نکات اخلاقی - تربیتی حدیث کساء

راضیه حسینی<sup>۱</sup>

زهرا رضائیان<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه یکی از آسیب‌های جدی فراروی جامعه انسانی، ناپایداری و تزلزل در خانواده‌ها و فقدان آرامش و روابط مستحکم میان اعضای خانواده است که در صورت غفلت، ضربه‌های سنگین و جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه اسلامی وارد خواهد کرد. این در حالی است که با تحقق الگوی اسلامی در جامعه و شکل‌گیری سبک زندگی بومی و اسلامی در خانواده، به راحتی می‌توان مانع گسترش چنین مشکلاتی شد. تحقق این امر مهم، منوط به ارائه و تبلیغ انواع سبک‌های زندگی مقبول و منطبق با آموزه‌های دینی و اسلامی است. از این رو در پژوهش حاضر تلاش شده است با روش توصیفی به ارائه نکات مهم اخلاقی-تربیتی همچون صله رحم، ارتباط کلامی، نوازش کلامی، نحوه صدا کردن والدین، جایگاه پدر و رهبر، اهمیت سلام، صریح بودن، دقت در امور و ... در محدوده حدیث کساء پرداخته شود.

واژگان کلیدی: اخلاق، تربیت، خانواده، حدیث کساء.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ تعلیم و تربیت موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه علیه السلام خواهران، نویسنده مسئول) قم، ایران.

Marzi7710911@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح ۲ جامعه الزهراء علیه السلام، کارشناس ارشد علوم قرآن و تفسیر. دانشگاه قرآن و حدیث. قم، ایران.

Tahoraa.r@gmail.com

## مقدمه

سبک زندگی به شکل نوین، اولین بار توسط روان‌شناسی به نام «آلفرد آدلر» در سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد و سپس محققان دیگری نیز تعاریف گوناگونی بر اساس بینش عقاید خاص خود ارائه دادند. آنچه اغلب روان‌شناسان از سبک زندگی ارائه می‌دهند، بیشتر به بُعد فردی و شخصیتی پرداخته شده است که نتیجه نهایی آن نیز نظریه‌های تک بُعدی است؛ اما اسلام به عنوان آیینی جامع و کامل و با توجه به همه ابعاد زندگی بشر، سبک زندگی را به معنای شیوه‌هایی از زندگی دانسته است که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در زندگی فردی و اجتماعی و برای ایجاد ارتباط با محیط جامعه و پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به کار می‌گیرد. بنابراین سبک زندگی از نظر اسلام، یک زندگی مادی یا فرهنگی صرف نیست؛ بلکه زندگی از عناصر متعددی تشکیل شده است و هدف از آن، اعتلای ارزش‌های والای آدمی و رسیدن به قرب الهی است (ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

از آنجا که خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه، تشکیل‌دهنده زیرساخت‌های جامعه معنوی است؛ برای تشکیل جامعه مهدوی باید تربیت را از نهادهای کوچک‌تری همچون خانواده شروع کرد. مقالات بسیاری در این زمینه به رشته نگارش درآمده است که مقاله «قرائتی تربیتی از حدیث کساء با روش تحلیل محتوا» نوشته امرائی، نظریه‌ی و عترت‌دوست (۱۳۹۹) از گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، یکی از این مقالات است. در این مقاله با استمداد از روش تحلیل محتوا، متن حدیث مورد واکاوی قرار گرفته و پس از بررسی کمی داده‌ها، فراوانی واژگان کلیدی، مضامین اصلی و مضامین فرعی یا نقاط تمرکز حدیث استخراج شده است. بر اساس نتایج به دست آمده، مباحثی مانند استفاده از القاب و کنیه‌ها، سلام و پاسخ آن، اذن و اجابت و تأکید بر صمیمیت اعضای خانواده در متن حدیث، از کمیت بیشتری برخوردار هستند که آن‌ها را می‌توان محوری‌ترین اصول تربیتی حاکم بر حدیث کساء قلمداد کرد.

مقاله «اصول و روش‌های تربیتی بر مبنای حدیث کساء» نگاشته کاوه (۱۴۰۰) از دیگر

مقالات در این حوزه است که با روش تحلیل محتوا به نتایجی با درجه اعتبار بالا رسیده است. بر اساس این پژوهش، بشر همواره در زندگی خود پیگیر کم و کیف تعلیم و تربیت بوده است. تأمل و دقت در آموزه‌های دینی نیز نشان می‌دهد که اصول تعلیم و تربیت با هدف و فلسفه آفرینش منطبق است و انبیا و معصومین علیهم‌السلام همواره به عنوان الگو و سرمشق در معارف دینی معرفی شده‌اند. مقاله «بررسی آثار تربیتی حدیث شریف کساء» تألیف حسینی، اسماعیلی و کمانکش (۱۳۹۹) نیز به بیان برخی از مهم‌ترین آثار تربیتی این حدیث شریف پرداخته است. مهم‌ترین این آثار را عبارتند از: بیان اهمیت فرهنگ صلح، رعایت توجه به خداوند هنگام درد و گرفتاری‌ها، توجه دادن به احترام به بزرگ‌ها و یکدیگر، رعایت حریم شخصی و احترام به مقام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تضمین اجابت دعای پیروان و شیعیان در صورت تأسی به این بزرگواران.

تألیفات گوناگونی با موضوع بررسی سبک‌های تربیتی و اخلاقی در آیات و احادیث و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تألیف شده است که در اغلب آن‌ها واژه «خُلُق» را با واژه «خُلُق» هم‌ریشه دانسته‌اند. خُلُق زیبا به معنای سرشت یا صفت معنوی و درونی زیباست (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۲۰؛ ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۹۴). تربیت نیز از ماده «ربو» و به معنای رشد تدریجی و تغییر کمی و کیفی متربی است و فرایند تربیت در ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی، آداب فردی و اجتماعی، علوم رایج و امثال آن کاربرد دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۸). کساء نیز در زبان عربی از ریشه «کسو» و معنای به لباسی است که خود را با آن بیوشانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۱). همچنین به معنای زیرانداز و روانداز به کار رفته است (عسکری، ۱۳۹۱، ص ۱).

از آنجا که نکات اخلاقی تربیتی نهفته در حدیث کساء کمتر به صورت مکتوب مورد بررسی قرار گرفته است، در پژوهش حاضر تلاش شده است به توصیف و تحلیل این نکات با شیوه کتابخانه‌ای پرداخته شود. در این پژوهش از منابع روایی همچون بحارالانوار و میزان الحکمه و کتاب‌های تفسیری همچون المیزان فی تفسیر القرآن بهره برده و تلاش شده است به این سؤالات پاسخ داده شود که نکات اخلاقی - تربیتی مطرح شده در حدیث کساء چیست؟ این نکات چه تأثیراتی بر افراد خانواده دارد؟ حدیث شریف کساء در بردارنده نکات ارزنده‌ای است

که در این پژوهش تنها به چهار مورد آن اشاره شده و به عنوان برنامه اجرایی، کاربردی و ارزشمند در زندگی ارائه گردیده است. اجرایی شدن این فرمان‌ها و استفاده صحیح، بجا و خداپسندانه از آن‌ها نه تنها کانون خانواده را به سعادت‌مندی و مهرورزی توأم با عواطف شایسته انسانی می‌رساند؛ بلکه زمینه شکوفایی جامعه سالم، پویا، سعادت‌مند، مترقی و برخوردار از علم و دانش و تعهد و متخصص را نیز مهیا می‌کند.

### نکات اخلاقی - تربیتی

اخلاقی بودن یا دانش اخلاق، قسمی از علوم انسانی و موضوع آن، شناخت مصادیق ارزش‌ها و بیانگر راه‌های کسب فضائل و ترک رذائل اخلاقی است. یکی از صاحب‌نظران حقوق مدنی آن را این‌گونه معنا کرده است: «تربیت طفل عبارت است از آموختن آداب اجتماعی و اخلاق متناسب با محیط خانوادگی او و نیز کوشش در فراگرفتن علم یا صنعت و یا حرفه متناسب با زمان و وضعیت اجتماعی خانوادگی که در آینده بتواند با به دست آوردن عایدات کافی، زندگانی خود را به رفاه بگذرانند» (امامی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۱۹۰).

#### ۱. ارتباط با خویشاوندان

ارتباط با خویشاوندان، در احادیث و متون اسلامی با واژه «صله رحم» به کار رفته است و به روش‌های گوناگونی همچون رسیدگی و خبرگیری، کمک مالی و آبرویی و ... انجام می‌شود. صله رحم و ارتباط با خویشاوندان از سویی با ارائه ارزش‌های مثبت، موجب گسترش هنجارها و پایبندی افراد به آن‌ها می‌شود و هم از دیگر سواثر بازدارنده‌ای نسبت به ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌های اجتماعی است؛ از همین روست که فرموده‌اند: «إِنَّ صَلَّةَ الرَّحْمِ وَالْبِرَّ لَيَهْوَتَانِ الْحُسَابِ وَيَعْصِمَانِ مِنَ الدُّنُوبِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۷)؛ صله رحم و نیکوکاری، حساب را آسان می‌کند و از گناهان نگه می‌دارد».

در اولین فرازهای حدیث کساء، ورود پیامبر اسلام ﷺ به خانه حضرت زهرا علیها السلام برای دیدار بیان شده است: «دَخَلَ عَلَى أَبِي رَسُولِ اللَّهِ ...». این جمله گویای محبت پیامبر صلی الله علیه و آله به دختر

بزرگوارش و فرهنگ صلّه رحم است. اگر چه اسلام، تأمین‌کننده نیازهای فطری انسان است و پیشوایان دینی نیز همواره بر ارتباط با خویشاوندان تأکید کرده‌اند، اما متأسفانه جامعه مدرن امروزی با ورود به فضای مجازی و استفاده گسترده از تلفن همراه، این فرهنگ را به دست فراموشی سپرده است. پیامبر اسلام ﷺ در اهمیت این مسئله فرموده است: «صِلَّةُ الرَّحِمِ تَعْمُرُ الدِّيَارَ وَ تَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ وَإِنْ كَانَ أَهْلُهَا غَيْرَ أَخِيَارٍ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۷، ص ۱۶۳)؛ پیوند با خویشاوندان شهرها را آباد می‌کند و بر عمرها می‌افزاید؛ هر چند انجام‌دهندگان آن از نیکان هم نباشند». این عمل افزون بر اجر اخروی، دارای آثار اجتماعی مطلوبی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۱-۱. صلّه رحم و یادگیری اجتماعی

یکی از نظریه‌های یادگیری اجتماعی، نظریه «آلبرت بندورا» است. بنا بر این نظریه مردم از طریق مفاهیم مشتعل بر یادگیری مشاهده‌ای، تقلید و الگوبرداری، از یکدیگر مطالبی را یاد می‌گیرند (Bandura, A. 2001). موارد یاد شده مانند یادگیری، تقلید و الگوبرداری در گروه حضور فرد در اجتماع و تعامل با افراد است. بنا بر این نظریه، اغلب رفتارهای آدمی ناشی از مشاهده و مدل‌سازی است. فرد با مشاهده رفتار دیگران درباره چگونگی رفتارهای جدید، ایده کسب می‌نماید و در موقعیت‌های دیگری از این مطالعات رمزگذاری شده به عنوان راهنمای عمل استفاده می‌کند. افراد می‌توانند قبل از رفتار کردن، به طور تقریبی نحوه رفتار و عمل را از طریق مشاهده الگو و نمونه یاد بگیرند (هاید، ۱۳۸۷).

خانه حضرت زهرا علیها السلام، یکی از بهترین نمونه‌ها برای مشاهده و مدل‌سازی است. فرد، عضوی از خانواده و خانواده، یکی از حلقه‌هایی است که زنجیره جامعه را تشکیل می‌دهد؛ از این رو هر عملی که در خانه انجام می‌شود، در واقع تمرینی برای انجام آن در حد وسیع‌تر یعنی جامعه است. از سویی جمع شدن اقربان و نزدیکان، عملی بسیار نیکو و شایسته و مستحب است که موجب شادمانی و افزایش محبت قلبی میان افراد می‌شود. نمونه بارز و صادق آن، جمع شدن اهل بیت علیهم السلام در زیر کساء و در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله است. از سوی دیگر معاشرت‌های کوچک نیازمند توجه به حقوق دیگران، احترام، گذشت، همکاری و ... توسط

فرد می‌تواند موجب یادگیری و انسجام اجتماعی شود. انسجام نیز موجب حیات، بالندگی جامعه و نیز عمران و آبادانی آن می‌شود. شیوه‌های رفتار با کودکان و فرزندان، شیوه‌های احترام و تکریم کودکان و فرزندان، احترام و تکریم والدین توسط فرزندان، قدردانی از کارهای مثبت فرزندان و تشویق آن‌ها، پاسخ به نیازهای روانی و عاطفی افراد، برخورد شایسته همسر با همسر و ... نمونه‌های بارز یادگیری فردی و اجتماعی است که از فرازهای حدیث شریف کساء می‌توان به دست آورد.

صله رحم موجب همبستگی اجتماعی می‌شود. تفاهم و همبستگی میان اعضای خانواده و در ابعاد بزرگتر در میان اعضای گروه‌های کوچک فAMILI و باری رساندن آنان به همدیگر، در اجتماع نیز اثر می‌گذارد و موجب شکل‌گیری انسجام اجتماعی می‌شود. از آنجا که پایه و اساس گروه‌های خویشاوندی، تمایلات فطری و کشش‌های طبیعی میان افراد است، اسلام نیز بر آن مهر تأیید زده و آن را نقطه شروع اصلاح نظام اجتماعی دانسته است؛ چنانکه رسول خدا ﷺ در این باره فرموده است: «إِنَّ الصَّدَقَةَ وَصَلَةَ الرَّجْمِ تَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَتَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۸)؛ انفاق در راه خدا و صله رحم، خانه‌ها را آباد و عمرها را طولانی می‌کند.

## ۲-۱. صله رحم و نظارت اجتماعی

برقراری ارتباطات اجتماعی و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، مهم‌ترین منبع جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی به شمار می‌رود. در واقع جامعه‌پذیری، فرایندی است که فرد در حین سپری کردن آن با عقاید، هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم ملی و مذهبی جامعه خود آشنا می‌شود، روش‌های زندگی اجتماعی را می‌آموزد و به عنوان فردی از جامعه آمادگی عمل را پیدا می‌کند. این فرایند در محیطی صورت می‌گیرد که تعامل‌های دوجانبه، در هم تنیده شدن منافع و مصالح مشترک، تلاش برای برطرف کردن حاجت‌های مادی و معنوی دیگران و ... وجود داشته باشد. طبیعی است که این تعاملات، نظارت اجتماعی را نیز به همراه خواهد داشت. افراد در شبکه خویشاوندی به عنوان جامعه‌ای کوچک، به طور مستقیم و غیرمستقیم ناظر بر رفتار یکدیگرند. اسلام با

دستور برقراری صلح رحم، زمینه را برای چنین نظارتی فراهم کرده است. از همین روست که پیامبر ﷺ مأمور شد بیان احکام اسلام و اجرای آن را از خویشان خود آغاز کند: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء: ۲۱۴).

نظارت اجتماعی از خانواده شکل می‌گیرد و به اجتماع تسری می‌یابد. مجری نظارت در خانواده، مخاطب خود را به خوبی می‌شناسد و این نظارت حالت عاطفی دارد. به کارگیری نام‌های نیکو و القاب شوق‌انگیز در ارتباط با یکدیگر و به‌ویژه فرزندان، موجب می‌شود ارتباط صمیمی و عمیقی میان والدین و فرزندان شکل بگیرد و بدین‌سان از انحراف فرزندان جلوگیری می‌شود. نمونه بارز بهره‌گیری از نام‌های نیکو القاب شوق‌انگیز را می‌توان در حدیث شریف کساء مشاهده کرد که حضرت زهرا علیها السلام در نامیدن فرزندانش از القابی همچون «فُرَّةَ عَيْنی»، «مُتْرَةَ فُؤادی» و «شافعِ اُمّتی» استفاده می‌کند و عالی‌ترین درجه محبت و احترام در ارتباط میان والدین و فرزند را به نمایش می‌گذارد.

### ۳-۱. رابطه با خویشاوندان و احساس ایمنی

یکی از مسائل مهم بهداشت روانی که بعد از نیازهای فیزیولوژیکی همواره بر آن تأکید می‌شود و میان روان‌شناسان به‌ویژه انسان‌گراها مطرح است، «احساس ایمنی» است. آبراهام مزلو، روان‌شناس معروف انسان‌گرا، جزو اولین کسانی بود که در این زمینه نظریاتی را مطرح کرد. او چهارده نشانگان را برای کسانی که احساس نایمنی می‌کنند، برشمرده است که «احساس طرد شدن» یکی از آن‌هاست؛ یعنی فرد احساس می‌کند مورد عشق و علاقه دیگران نیست، دیگران با او برخورد سرد و بدون محبت دارند و مورد تنفر و خصومت دیگران واقع شده است. «احساس تنهایی» و «احساس خطر دائمی»، از دیگر نشانگانی است که او مطرح کرده است. از نظر او نشانگان سه‌گانه فوق، نشانگان اولیه احساس نایمنی هستند که به عنوان علت محسوب می‌شوند؛ زیرا دیگر نشانگان، ثانویه و معلول این سه عامل هستند (شاملو، ۱۴۰۰، ص ۱۴۴). حفظ پیوندهای خانوادگی و فامیلی و معاشرت با آن‌ها، می‌تواند احساس طرد شدن را از فرد دور کند. فرد در تماس مداوم با اقوام و نزدیکان احساس می‌کند مورد عشق و علاقه دیگران واقع شده است و رفتار آنان با او بر اساس

محبت و عطف است و مورد تنفر و خصومت دیگران نیست؛ زیرا همه انسان‌ها در طول زندگی، احساسات متفاوتی را تجربه می‌کنند و بسیاری از احساسات نیز وابسته به تعاملات آن‌هاست. افراد در تعاملات می‌توانند به احساسات یکدیگر پاسخ مثبت یا منفی بدهند.

حضرت زهرا علیها السلام هنگامی که از ورود فرزندان‌شان خبر می‌دهد، می‌فرماید: «وَإِذَا بَوَّلَدِي الْحَسَنَ قَدْ أَقْبَلَ» و هنگامی که از ورود همسرش خبر می‌دهد، می‌فرماید: «فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ ابْنُ الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ». بانوی بزرگ اسلام از امیرالمؤمنین علی علیه السلام با کنیه «ابوالحسن» یاد می‌کند و بدین شکل نهایت تکریم و احترام خود به همسر بزرگوارش را با استفاده از کنیه آن حضرت به تصویر می‌کشد. ارتباطات خانوادگی و استفاده از کلمات زیبا و احترام به افراد، از احساس تنهایی و طردشدگی فرد می‌کاهد. وجود روابط گرم و صمیمی میان اعضای خانواده و اقوام، همدلی و همبستگی میان آن‌ها را بیشتر می‌کند تا آنجا که هنگام بروز مشکلات و ناملایمات، هر یک پشتوانه دیگری می‌شوند و می‌توانند در مقابل سختی‌ها و حوادث مقاومت کنند. فردی که این اطمینان و آرامش را در مجموعه خانواده از دوران کودکی تجربه کرده است، هیچ‌گاه هنگام خطر و ناراحتی احساس تنهایی نمی‌کند؛ زیرا همواره دیده است که هنگام بروز حادثه، همه افراد خانواده و فامیل ضمن ابراز همدردی، برای کمک به یکدیگر آمده‌اند.

در واقع یکی از آثار معاشرت‌های خانوادگی و ارتباط‌های فامیلی، کاهش احساس ناایمنی و تقویت و اغنای یکی از مهم‌ترین نیازهای عاطفی یعنی احساس ایمنی است؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله از ضعف در بدن خود به دخترش فاطمه علیها السلام پناه می‌برد و به او می‌فرماید: «لَئِي أَجِدُ فِي بَدَنِي ضَعْفًا... يَا فَاطِمَةُ أَيَّتِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِي فَعَطِّينِي بِهِ». پناه بردن رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام، حاکی از صمیمیت اعضای خانواده در سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام است. از دیگر موضوعات سبک زندگی دینی در سیره اهل بیت علیهم السلام می‌توان به احترام میان اعضای خانواده اشاره کرد که منشأ ایجاد آرامش و صمیمیت میان اعضای آن است. در متن حدیث، اهل کساء در اوج صمیمیت و عطف با بهره‌گیری از تعبیری همچون «یا أمّاه»، «یا ابته»، «یا ولدی»، «یا وصی و خلیفتی و صاحب لوائی» و... به تصویر کشیده شده است.



سکوت و بی‌روحي بر این فضا حاکم نیست؛ زیرا سکوت یکی از عوامل آسیب‌زا در حوزه مباحث عاطفی در خانواده است.

## ۲. توجه به جایگاه والدین

اصل وجود آدمی از پدر و مادر است؛ از این رو جایگاه والدین در پیوندهای خویشاوندی از اهمیت بسزایی برخوردار است. از آنجا که والدین پس از خداوند، حق حیات برگردن فرزند خود دارند و او را از زمان ناتوانی و ضعف کودکی تا زمان توانمندی و قدرت جوانی یاری می‌رسانند و آنچه در توان دارند، برای او هزینه می‌کنند؛ قرآن نیز نیکی به آن‌ها را پس از توحید بیان کرده است: «الَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (انعام: ۱۵۱)؛ «چیزی را با او شریک قرار ندهید و به پدر و مادر احسان کنید». اهمیت جایگاه والدین در اسلام را از این سخن امام رضا علیه السلام می‌توان دریافت که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۵۶)؛ خداوند به سپاسگزاری از خودش و پدر و مادر فرمان داده است، پس کسی که از پدر و مادرش سپاسگزاری نکند؛ خدا را شکر نکرده است». یکی از جلوه‌های ادب و تکریم والدین توسط فرزندان، فروتنی در برابر ایشان است؛ چنانکه قرآن کریم فرموده است: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء: ۲۴)؛ «و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن؛ چنانکه مرا در کوچکی پروراندند». درباره چگونگی تواضع در مقابل والدین در روایات آمده است: «لَا تَمْلَأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَ رِقٍّ وَ لَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا وَ لَا يَدَكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا وَ لَا تَقْدِّمْ قُدَامَهُمَا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۸)؛ چشم‌هایت را جز از روی دلسوزی و مهربانی با پدر و مادر خیره مکن و صدایت را بلندتر از صدای آن‌ها نکن. دست‌هایت را بالای دست‌های آن‌ها مبر و جلوتر از آنان راه مرو». اسلام اطاعت از والدین را یکی از وظایف اصلی فرزندان دانسته است تا آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است: «الْعَبْدُ الْمُطِيعُ لَوَالِدَيْهِ وَ لِزَوْجِهِ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۵۷۸)؛ بنده‌ای که مطیع پدر و مادر و پروردگارش باشد، روز قیامت در بالاترین جایگاه است».

حدیث شریف کساء، دایره گسترده تواضع و ادب را در برخوردهای پیامبر ﷺ با دخترشان حضرت زهرا ﷺ و نیز در برابر خداوند به هنگام دعا به زیبایی نشان می دهد. برخورد امام علی، حسنین و حضرت زهرا ﷺ در برابر پیامبر ﷺ و نیز برخورد آنان با یکدیگر بیانگر این حقیقت است. اصل تواضع و ادب، شیوه و روش حیات طیبه الهی است که در سبک زندگی فاطمی نمود عینی و برجسته ای دارد؛ آنجا که حضرت زهرا ﷺ می فرماید: «دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ» و اگر چه می تواند آن حضرت را فقط با عنوان پدر یاد کند، اما در کمال تواضع و احترام به مقام والای آن حضرت اشاره می نماید؛ زیرا احترام به پدر موجب قدرت یافتن و حفظ وحدت خانواده می شود و نقش اساسی در تربیت فرزندان دارد. وجود پدر، احترام به او و درک جایگاهش افزون بر مشخص کردن قوانین خانه، به برقراری امنیت و آرامش روحی و روانی کمک می کند. حضرت زهرا ﷺ در اجابت درخواست پدر و اطاعت از ایشان لحظه ای درنگ نمی کند و هنگامی که حضرت می فرماید: «فَاطِمَةُ أَيَّتِي بِالْكَسَاءِ الْيَمَانِي فَعَطَّيْنِي بِهِ»، بلافاصله عبایی را برای پیامبر ﷺ می آورد و بر دوش آن حضرت می اندازد. این رفتار حضرت زهرا ﷺ بهترین الگو در اطاعت از پدر و تواضع و ادب در مقابل او برای همگان به ویژه فرزندان است و به آن ها می آموزد که میان اجرای فرامین و خواسته های والدین و انجام کارهای خودشان، اولویت را به والدین و انجام درخواست آن ها بدهند.

اهمیت احترام به والدین و تواضع در مقابل آنان تا آنجاست که نقل است در سال های آغاز بعثت پیامبر ﷺ روزی آن حضرت فرشی را پهن کرده و روی آن نشسته بود. در این هنگام شوهر حلیمه به حضور آن حضرت آمد. پیامبر ﷺ به یاد مهربانی های او برخاست و او را بسیار احترام کرد. گوشه ای از فرش خود را گسترد و پدر رضاعی خود را روی آن نشاند. پس از اندک زمانی حلیمه وارد شد و حضرت گوشه دیگر فرش را برای او پهن کرد و او را روی آن نشانید و محبت فراوانی به مادر رضاعی خود کرد (اشتهاردی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۴۷).

## ۱-۲. نامیدن والدین با احترام

پیامبر اکرم ﷺ، برترین اُسوه ادب در زندگی فردی و اجتماعی و یکی از جلوه های زیبای ادب، چگونگی نامیدن و خطاب قرار دادن یاران خویش و دیگر افراد اجتماع است. نامیدن با

گُنیه، نوعی احترام نهادن و گرمی داشتن مخاطب و مورد علاقه عرب آن روزگار بود. پیامبر ﷺ نه تنها یارانش را با کنیه مورد خطاب قرار می داد؛ بلکه درباره حق پدر بر فرزند می فرمود: «لَا يُسَمِّيهِ بِأَسْمِهِ وَلَا يَتَّشِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا يَحْلِسُ قَبْلَهُ وَلَا يَسْتَسِبُّ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۹)؛ او را به اسم صدا نزند، جلوتر از او راه نرود، پیش از او ننشیند و برایش دشنام نبرد». بنابراین فرزند باید والدین را به گونه ای مورد خطاب قرار دهد که جایگاه آنان و احترام شان حفظ شود. کوچک شمردن نام والدین معضلی فرهنگی - اجتماعی است؛ زیرا این گونه نامیدن والدین موجب می شود جایگاه الهی آن دو گوهر ارزشمند فراموش شود. پیامبر اکرم ﷺ درباره پیامدهای نامیدن والدین به نام کوچک فرموده است: «الْفَقْرُ مِنْ حَمْسَةٍ وَعِشْرِينَ شَيْئًا... وَدَعْوَةُ الْوَالِدَيْنِ بِأَسْمِهِمَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۳۱۷)؛ بیست و پنج چیز موجب فقر می شود... [و یکی از آن ها] صدا کردن والدین با نام کوچک آن هاست».

حضرت زهرا علیها السلام در نامیدن پیامبر ﷺ از کلمه «ابی رسول الله» یعنی پدرم استفاده کرده است که نشانه احترام و ادب در مقابل والدین است. اگرچه پیامبر ﷺ حضرت زهرا علیها السلام و ذریه ایشان را از خطاب آیه «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» (نور: ۶۳) «مبدا دانسته است، اما بانوی بزرگ اسلام در کنار نام پدر عنوان «رسول الله» را نیز استفاده، و احترام ویژه به پدر را رعایت می کند. امروزه ارتباط کلامی، باورها، علایق و عقاید کودکان و نوجوانان دستخوش تغییر شده است و این تغییرات می تواند به دلایل مختلفی همچون تقلید از غرب، بی توجهی والدین، رسانه های اجتماعی، فیلم ها و مشخص نبودن مرزها و فراموش شدن ارزش ها باشد.

## ۲-۲. رابطه کلامی در خانه

زبان، مهم ترین عامل ارتباطی انسان و کلام، ساده ترین و کاربردی ترین وسیله تبادل و تفاهم انسان ها به شمار می رود. قرآن کریم توانایی برقراری ارتباط کلامی را یکی از موهبت های الهی دانسته و فرموده است: «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن: ۴). ارتباطات کلامی، نقش مهمی در پیشرفت جوامع و افراد دارد. جامعه ای را می توان سالم و پیشرو در اهداف دانست که میان اعضای خانواده آن ارتباطات سالم و سازنده برقرار باشد و خانواده ای سالم تلقی می شود

که افزون بر داشتن دانش و اطلاعات در حوزه همسرداری و تربیت کودک و نوجوان، مهارت استفاده از این دانش را نیز داشته باشد. اهمیت و ارزش ارتباطات کلامی در پیشرفت جوامع تا آنجاست که خداوند امر رسالت و پیامبری را مصداقی از یک ارتباط و پیامبر را مأمور انتقال پیام از فرستنده به گیرنده معرفی کرده است: ﴿وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (شعراء: ۱۸). حضرت موسی علیه السلام نیز در آغاز رسالت خویش از خداوند برقراری یک ارتباط کلامی به بهترین شکل ممکن را طلب می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي﴾ (طه: ۲۷). منظور از گشوده شدن گره زبان، گره‌های سخن است که مانع درک و فهم شنونده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۱۸۸). اهمیت ارتباط کلامی تا آنجاست که به عبودیت خود و احسان کردن به والدین و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان دستور داده و فرموده است: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ (بقره: ۸۳).

تأکید بر گفتار نیک در این آیه در کنار مسائلی همچون عبودیت خداوند و احسان به والدین، بیانگر اهمیت جایگاه ارتباط کلامی است؛ زیرا زبان نقش مهمی در زمینه «ارتباط کلامی» و نیز «تفاهم رفتاری» و به دنبال آن جهت‌دهی به فرهنگ یک خانواده یا ملت دارد و یک واحد اجتماعی همچون خانواده یا جامعه هنگامی موفق خواهد بود که افراد آن بتوانند رابطه کلامی مناسبی با یکدیگر برقرار کنند. یکی از زیباترین جلوه‌های ارتباط کلامی، سلام کردن است. سلام به عنوان زیباترین، پرمحتواترین و مؤثرترین عامل ارتباط جمعی میان مسلمان‌هاست که پیامدها و ثمرات بسیار ارزشمند و گسترده‌ای در جامعه دارد. خداوند در آیه ۶۱ سوره نور، سلام کردن را به عنوان یکی از آداب ورود به خانه معرفی کرده و فرموده است: ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ﴾؛ «پس چون به خانه‌هایی [که گفته شد] در آمدید، به یکدیگر سلام کنید». اهمیت سلام از آن روست که چه بسیار دوستی‌هایی که با یک «سلام» ایجاد می‌شود و چه بسیار کینه‌ها و عداوت‌ها که با یک «سلام» از بین می‌رود و موجب الفت قلوب و تقویت ارتباطات می‌شود (کرمی و حسینی‌نیا، ۱۳۹۸، ص ۱۱۶).

یکی از راهکارهای نظام تربیتی اسلام برای جلوگیری از سردی روابط میان زوجین و والدین و فرزندان و تقویت عطف و احترام میان آنان، مهارت «سلام کردن» است. سلام،

از مکارم اخلاق دینی و موجب انس و الفت و عامل رفع کدورت است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام هنگام ورود به خانه ابتدا سلام می‌کند و سپس حضرت زهرا علیها السلام را احترام مورد خطاب قرار می‌دهد: «یا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ». در مقابل حضرت زهرا علیها السلام نیز آن حضرت را احترام و تکریم می‌کند و این‌گونه جواب سلام حضرت را می‌دهد: «عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أبا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ». هر گاه عرب بخواهد به کسی احترام بگذارد، او را با کنیه‌اش مورد خطاب قرار می‌دهد؛ چنانکه حضرت زهرا علیها السلام نیز امیرالمؤمنین علی علیه السلام را با کنیه خطاب کرد. احترام به حقوق دیگران مانند درخواست اجازه برای نشستن، نکته اخلاقی مهم دیگری است که در حدیث شریف کساء بیان شده است: «لَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ لَهُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي يَا وَصِيَّيَ وَخَلِيفَتِي وَصَاحِبِ لِي وَائِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ».

ادای سلام امام حسن علیه السلام به مادر با عبارت «السلام عليك يا امه» و پاسخ حضرت زهرا علیها السلام به ایشان با بیان «و عليك السلام يا قرة عيني و ثمرة فؤادي» و یا ادای سلام امام حسین علیه السلام به رسول الله صلی الله علیه و آله با عبارت «السلام عليك يا جده يا رسول الله» و پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان با عبارت «و عليك السلام يا ولدي و صاحب حوضي» نیز که میان پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب کساء ادامه می‌یابد، تفسیری روشن و صریح از این آیه شریفه است که می‌فرماید: ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها﴾؛ (نساء: ۸۶) و چون به شما درود گفته شد، شما به [صورتی] بهتر از آن درود گوید یا همان را [در پاسخ] برگردانید» (ر.ک: امرائی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۱۸).

یکی دیگر از مصادیق ارتباطات کلامی در خانواده، صدا زدن اعضا به نام نیکو و زیباست. نامیدن و صدا زدن افراد با لقبی زیبا و متناسب با ویژگی‌های خوب و شایسته او می‌تواند صمیمیت و الفت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر را افزون کند. لقب، اسمی است که پس از نام علم انسان برای او به کار می‌رود و به تناسب معنایی در خود نهفته دارد که بر مدح یا ذم فرد دلالت می‌کند (جرجانی، ۱۴۰۵، ص ۲۴۷). قرآن انسان‌ها را از نامیدن یکدیگر با القاب زشت نهی کرده و فرموده است: ﴿وَلَا تَنَابَرُوا بِالْألقَابِ﴾ (حجرات: ۱۱)؛ زیرا موجب کینه و دشمنی میان انسان‌ها و در نتیجه دوری آن‌ها از یکدیگر می‌شود. استفاده خاندان اهل بیت علیهم السلام از

لقب «رسول الله» هنگام سخن گفتن با پیامبر ﷺ در متن حدیث کساء، گویای اوج تعظیم و تکریم آنان نسبت به شخصیت رسول اکرم ﷺ و اقرار به رسالت و نبوت آن حضرت است. نامیدن حسنین ﷺ به القاب و کنیه‌هایی همچون «قره عینی»، «ثمره فؤادی» و «شافع امتی» و نیز نامیدن امیرالمؤمنین ﷺ با لقب «صاحب حوضی» و «امیرالمؤمنین» نه تنها بیانگر بار معنایی اعتقادی است؛ بلکه حاکی از صمیمیت بالا و بیان ویژگی‌ها و خصلت‌های اختصاصی آن حضرات است که می‌تواند الگوی تربیتی درباره بیان شاخص‌های مثبت افراد و ارتقای رفتار اعضای خانواده در خطاب قرار دادن همدیگر در متن و بطن خانه باشد (ر.ک: امرائی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۱۶).

### ۳. اهمیت اجازه گرفتن از افراد

«اذن» در لغت به معنای علم، رخصت، اباحه، استماع و فرمان آمده است؛ چنانکه ایدان نیز به معنای اذن دادن و استیذان به معنای اذن گرفتن است (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۰۵؛ مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۱). اهمیت این مسئله تا آنجاست که خداوند به صراحت در آیه ۲۷ سوره نور از ضرورت اجازه گرفتن و اجازه دادن در روابط خانوادگی سخن گفته و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست، داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویند؛ این برای شما بهتر است». علامه طباطبایی «استیناس» را به معنای هر عملی دانسته است که موجب الفت و آرامش می‌شود؛ مانند استیناس برای ورود به خانه دیگران با نام بردن از خدا و یا الله گفتن تا صاحب خانه بداند که فردی می‌خواهد وارد شود و خود را برای ورود او آماده کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۰۹). اجازه گرفتن از افراد برای ورود به حریم خصوصی‌شان حاوی پیام‌هایی همچون احترام به مالکیت، امنیت و آزادی افراد، تقویت محبت میان اعضا، حفظ حریم حیا و حجاب، مراعات ادب و ضامن بودن فرد برای ورود بدون اجازه به حریم خصوصی افراد از سوی حاکم اسلامی است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۶۹ و ۱۷۰).

در روایات نیز بر اهمیت این مسئله تأکید شده است؛ چنانکه نقل است فردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: آیا هنگامی که می‌خواهم وارد خانه مادرم شوم، باید اجازه بگیرم؟ و به دنبال پاسخ مثبت رسول خدا ﷺ دوباره پرسید: مادرم غیر از من خدمتگزاری ندارد. آیا باز هم باید اجازه بگیرم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «أَحِبُّ أَنْ تَرَاهَا عُرْيَانَةً؛ آیا دوست داری که مادرت را برهنه ببینی؟». عرض کرد: نه. پیامبر ﷺ فرمود: «فَأَسْتَأْذِنُ عَلَيْهَا» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۴۹۲)؛ پس از او اجازه بگیر و وارد شو. رسول خدا ﷺ نه تنها در گفتار بلکه در رفتار نیز این عمل مهم را به دیگران آموزش می‌داد؛ چنانکه نقل است پیامبر ﷺ هنگامی که می‌خواست وارد خانه دخترش فاطمه ﷺ شود، ابتدا بر در خانه آمد، دست به روی در گذاشت و در را کمی عقب زد. سپس فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ». حضرت فاطمه ﷺ پاسخ سلام پدر را داد. سپس پیامبر ﷺ فرمود: «اجازه دارم وارد شوم؟». فاطمه ﷺ عرض کرد: «وارد شو ای رسول خدا». پیامبر ﷺ فرمود: «کسی که همراه من است نیز اجازه دارد وارد شود؟». فاطمه ﷺ عرض کرد: «مقنعه بر سر من نیست» و هنگامی که خود را به حجاب اسلامی محجب ساخت، پیامبر ﷺ مجدداً سلام کرد و فاطمه ﷺ جواب داد و پیامبر ﷺ مجدداً برای خودش و پس از پاسخ موافق فاطمه ﷺ برای همراهش «جابر بن عبدالله» اجازه ورود گرفت (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۸۷).

احترام والدین به حریم خصوصی فرزندان در عین نظارت بر آن‌ها، موجب تقویت اعتماد در آن‌ها می‌شود و مسیر رشد و پیشرفت آن‌ها را هموار می‌کند. از سوی دیگر از آنجا که والدین مسئول آموزش احکام دین به فرزندان هستند، باید این نکته را به فرزندان خود آموزش دهند که نه تنها به حریم خصوصی یکدیگر بلکه به حریم خصوصی والدین نیز باید احترام بگذارند و برای ورود به حریم آن‌ها باید ابتدا اجازه بگیرند. در سبک زندگی حضرت زهرا ﷺ این مسئله مهم به خوبی رعایت شده است؛ چنانکه بنا بر متن حدیث کساء اگر چه افراد می‌توانستند بدون اذن و اجازه زیر کساء قرار گیرند، اما ابتدا اجازه می‌گیرند و هنگامی که به آن‌ها پاسخ مثبت داده می‌شود، زیر آن قرار می‌گیرند و این، به معنای آن است که حتی اگر شرایط نیز فراهم باشد؛ بدون اجازه نمی‌توان وارد مکانی شد. تکرار اذن‌ها و اجازه‌ها در

متن حدیث حتی برای جبرئیل با آن مقام «یا مَلَائِكَتِي وَيَا سُكَّانَ سَمَوَاتِي» و «أَمِينَ وَحَيَّ اللَّهُ» هم وجود دارد و او دو بار اجازه می‌گیرد: یک بار از خدای متعال «يَا رَبِّ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَهِيْطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُوْنَ سَادِسًا» و دیگر بار از رسول خدا ﷺ «فَهَلْ تَأْذُنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ».

#### ۴. صمیمیت میان اعضای خانواده

زندگی خانوادگی، نوعی زندگی اجتماعی است که بر پایه تعاون و همبستگی و همکاری اعضا سامان می‌یابد. همان‌گونه که انسان‌ها در زندگی اجتماعی بدون یاری همدیگر نمی‌توانند نیازهای زیستی و روانی خود را برآورده کنند، در زندگی خانوادگی نیز اعضا برای برآورده شدن نیازهایشان به یاری یکدیگر نیازمندند. وجود کودکان و خردسالانی که توانایی برآوردن نیازهای اولیه و مراقبت از خود را ندارند و نیز حضور سالمندان یا بیمارانی که از رفع نیاز خویش عاجزند، ضرورت کارکرد مراقبتی و حمایتی خانواده را روشن می‌کند. از میان مجموعه نیازهای آدمی، شاید هیچ کدام به اهمیت و اعتبار نیازهای عاطفی و نیاز به مهر و محبت نباشند. به جرئت می‌توان ادعا کرد که نقش این‌گونه نیازها در ادامه حیات متعادل انسان، از نقش نیازهای اقتصادی و معیشتی کمتر نیست؛ به‌گونه‌ای که روان‌شناسان آن را از جمله نیازهای اساسی آدمی برشمرده و محرومیت آن را سبب ساز بروز عوارض و آسیب‌های روانی و ریشه بسیاری از نابهنجاری‌ها و ناسازگاری‌ها دانسته‌اند (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸، ص ۴۲).

صمیمیت میان اعضای خانواده و احترام آن‌ها به یکدیگر، موجب استحکام دوستی و روابط گرم میان آنان می‌شود. فضای امن و محدود خانه، حریمی برای ابراز احساسات، بیان اسرار، تأمین نیازهای روحی و جسمی انسان و ارضای غرایز اوست. قرآن با تأکید بر این کارکرد خانواده فرموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱). تأکید بر اظهار علاقه و محبت افراد خانواده به یکدیگر، موجب همکاری در مواجهه با مسائل گوناگون می‌شود و فضای رشد اخلاقی را فراهم می‌کند. از

همین روست که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز همواره بر این مسئله تأکید شده است:

«أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأُنْسًا فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ



نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكَ فَتُكْرِمَهَا وَتَتَّقِي بِهَا وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أُوجِبَ  
فِيَّانَ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۲۱)؛ حق همسرت آن است  
که بدانی خداوند عزوجل او را مایه سکون و آرامش تو قرار داده است و باید  
بدانی که او نعمت خداوند بر توست؛ پس او را گرمی بدار و با او با رفق و مدارا  
برخورد کن و هر چند حق تو بر او بیشتر است، اما حق او بر تو این است که  
با او مهربانی کنی».

احترام میان اعضای خانواده را که موجب ایجاد آرامش و صمیمیت میان اعضا می‌شود،  
می‌توان به وفور در متن حدیث کساء مشاهده کرد. استفاده از تعبیری همچون «یا أُمَّهُ»، «یا  
وَلَدِي»، «یا وَصِيِّي وَخَلِيْفَتِي وَصَاحِبِ لِيْوَاتِي» و ... در گفتگوی با یکدیگر، بیانگر صمیمت میان  
اهل بیت حضرت زهرا علیها السلام است. در این خانه نه تنها سکوت و بی‌روحي حکمفرما نیست؛  
بلکه عبارات بی‌نظیری همچون «فُرَّةَ عَيْنِي وَكَمْرَةَ فُوَادِي» حاکی از ارتباط صمیمانه و عمق  
احترام و محبت میان مادر و فرزندان است. این ارتباط و احترام و عشق بی‌نظیر را در این  
سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می‌توان مشاهده کرد که می‌فرماید: «أَلَلَّهْمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي  
وَحَامَّتِي لِحَمَّتِي وَدَمُهُمْ دَمِي يُؤَلُّنِي مَا يُؤَلُّهُمْ وَيَحْرُؤُنِي مَا يَحْرُؤُهُمْ».

## نتیجه‌گیری

در خانواده‌های امروزی به دلیل دور شدن از معنویت، فرصت‌گفت‌وگوهای کوتاه نیز  
از خانواده سلب، و این موضوع موجب سست شدن عنصر محبت، عشق و مهرورزی در  
میان خانواده‌ها و کم‌رنگ شدن فرهنگ محبت‌ورزی در جامعه شده است. پس از بررسی  
نکات اخلاقی تربیتی مطرح شده در این حدیث شریف، می‌توان گفت که پیشرفت در زندگی،  
شکوفایی استعدادها و تاب‌آوری در برابر مشکلات نه تنها در گرو آشنایی با نکات اسلامی،  
بلکه در گروه عمل به دستورات غنی آن است. نکته‌هایی همچون ارتباط با خویشاوندان،  
توجه به جایگاه والدین، نامیدن والدین با احترام، ارتباط کلامی میان اعضای خانواده، اجازه  
گرفتن از افراد برای ورود به حریم آن‌ها و صمیمیت میان اعضای خانواده، از نکات مهم در

تشکیل خانواده سالم است. آنچه که امروزه به عنوان نظریه‌های روان‌شناسی برای تحکیم خانواده بیان می‌شود، می‌توان به صورت جامع و کامل در آموزه‌های اسلامی یافت؛ چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ» (انعام: ۱۰۴)؛ به راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است پس هر که به دیده بصیرت بنگرد، به سود خود او و هر کس از سر بصیرت ننگرد، به زیان خود اوست و من بر شما نگهبان نیستم».

در پژوهش حاضر جایگاه و تأثیر سبک تربیتی مطرح شده در حدیث شریف کساء به طور اجمالی مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که هر یک از شاخه‌های تربیتی این حدیث شریف می‌تواند تمدن‌آفرین باشد و افراد را برای حضور در جامعه و تشکیل جامعه مهدوی آماده کند؛ پیشنهاد می‌شود علاقه‌مندان به موضوع سبک زندگی و مسائل تربیتی تمدن نوین اسلامی، شاخه‌های تربیتی بیان شده در این حدیث شریف را به صورت مفصل و در قالب کتاب یا پایان‌نامه مورد واکاوی قرار دهند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

### فارسی

۱. اشتهاوردی، محمد مهدی، (۱۳۶۹ ش)، داستان دوستان، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. امامی، حسن، (۱۴۰۱ ش)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیة.
۳. امرائی، ایوب و مریم نظریگی و محمد عترت دوست، (۱۳۹۹)، «قرائتی تربیتی از حدیث کساء با روش تحلیل محتوا»، دوفصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره ۶، ش ۲، ص ۲۲۵-۲۰۵.
۴. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲ ش)، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
۵. چراغی کوتیانی، اسماعیل، (۱۳۸۸)، «رویگرد اسلام به چهار کارکرد مهم خانواده»، ماهنامه معرفت، ش ۱۳۹، ص ۵۴-۳۵.
۶. شاملو، سعید، (۱۴۰۰ ش)، بهداشت روانی، تهران: نشر رشد.
۷. عسگری، مرتضی، (۱۳۹۱ ش)، حدیث کساء، ترجمه علی اسلامی، تهران: نشر علامه عسگری.
۸. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ ش)، تفسیر نور، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۹. کرمی، صدیقه و سید محمد رضا حسینی نیا، (۱۳۹۸)، «ارتباطات کلامی و غیرکلامی در خانواده از منظر قرآن کریم و روایات»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، دوره ۱۰، ش ۳۹، ص ۱۳۱-۱۱۰.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۱ ش)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. هاید، جانت شیبیلی، (۱۳۸۷ ش)، روان‌شناسی زنان: سهم زنان در تجربه بشری، ترجمه اکرم خمسه، چاپ دوم، تهران: نشر ارجمند.

### عربی

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۷۵ ش)، لسان العرب، بیروت: نشر دارصار.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، مفردات الفاظ القرآن، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دار القلم - دار الشامیه.
۳. جرجانی، علی بن محمد، (۱۴۰۵ ق)، التعریفات، حقه و قدم له و وضع فهارسه ابراهیم الایاری، بیروت: دار الكتاب العربی.
۴. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی هلالی و علی سیری، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
۵. حویزی، عبدالعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نور الثقلین، تصحیح هاشم رسولی، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.
۶. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۶۲ ش)، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
۷. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳ ق)، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۹. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم: شریف الرضی.
۱۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تصحیح حسین علمی، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

### لاتین

1. Bandura, A. (2001), Social learning theory. Available URL <http://www.gwu.edu/~tip/index.html> [Accessed 1/2/200

